

## بررسی تحولی خودپنداشت در کودکان ۶ تا ۱۲ ساله و رابطه آن با طبقه اجتماعی و جنس

دکتر رضا پورحسین\*، دکتر پریرخ دادستان\*\*، دکتر جواد اژه‌ای\*\*\*، دکتر علیرضا کیامنش\*\*\*\*

### چکیده

تحقیق حاضر با هدف تبیین روند تحولی خود در کودکان ۶ تا ۱۲ ساله با توجه به متغیرهای جنس و طبقه اجتماعی - اقتصادی، انجام گرفته است. برای این پژوهش که از الگوی تحولی دیمون و هارت استفاده شده است، تعداد ۲۴۳ نفر از دانش‌آموزان شهر تهران در چهار رده سنی ۶، ۸، ۱۰ و ۱۲ ساله؛ در دو جنس دختر (۱۲۰ نفر) و پسر (۱۴۳ نفر) در دو طبقه اجتماعی - اقتصادی بالا و پایین به صورت تصادفی انتخاب شدند و با روش بالینی و مصاحبه، مورد سنجش قرار گرفتند. پس از جمع‌آوری پاسخها و کدگذاری بر اساس دستورالعمل الگوی مذکور، داده‌های کمی با استفاده از مشخصه‌های آمار توصیفی، تحلیل واریانس چندمتغیری و آزمون توکی، مورد پردازش و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج بدست آمده مشخص می‌سازد که، کودکان ۶ ساله ایرانی از لحاظ تحول خود در سطح دو (سطح سنجشهای مقایسه‌ای)، کودکان ۸ ساله، در سطح سه (سطح استلزامهای

\* دانشگاه تربیت مدرس

\*\* استاد دانشگاه تهران

\*\*\* استادیار دانشگاه تهران

\*\*\*\* دانشیار دانشگاه تربیت معلم

بین فردی و تعاملی) و کودکان ۱۰ ساله و ۱۲ ساله در سطح سه تحولی و درصد قابل توجهی از این کودکان در وهله بین بینی سطح تحولی چهار (سطح نظام یافتگی باورها) قرار دارند. تحول خود پنداشت از متغیر طبقه اجتماعی اقتصادی تأثیر می پذیرد اما متغیر جنس، تأثیری بر تحول و سازمان یافتگی خود ندارد. در این میان افراد طبقه بالا، وضعیت بهتری دارند. همچنین کودکان ابتدا خود را به صورت مادی و بدنی، توصیف می کنند و هر اندازه سن آنها افزایش می یابد، این توصیف کاهش می یابد و پس از سن ۸ سالگی تقریباً ثابت می ماند. اما میزان توصیف خود به صورت فعال، اجتماعی و روانی افزایش می یابد.

**کلید واژه ها:** خود پنداشت، طبقه اجتماعی اقتصادی، خود عینی، خود فاعلی.



#### مقدمه

خود<sup>۱</sup> یک ساختار روانی است که به دلیل تجربیات درونی و بیرونی در یک نظام پویا شکل می گیرد و بتدریج پیچیده تر می شود. خود، محور شخصیت محسوب می شود. همچنین یک محصول اجتماعی بشمار می رود که در اثر تعامل و برخورد با دیگران بدست می آید (راجرز<sup>۲</sup>، ۱۹۴۷؛ به نقل از پورکی، ۱۹۸۸). نظریات مختلفی درباره خود از سوی روانشناسان ارائه شده است که می توان آنها را در دیدگاههای روان تحلیل گری، شناختی و شناختی اجتماعی، ردیابی کرد. بیشتر مؤلفان سعی کرده اند که خود و تصور از آن را در افق شناختی - اجتماعی و با روی آورد ساختاری و تحولی مورد بحث قرار دهند. چه نمی توان پیشرفتهای تحولی خود را به استناد رشد کمی تواناییها تبیین کرد، بلکه بنیادهای شکل دهنده خود از طریق سازمان یابیهای پی در پی، به وسیله تحلیل ساختاری و به صورت کیفی قابل تبیین است. در این چارچوب، نگاه تحولی و ساختاری محققانی چون دیمون و هارت (۱۹۸۲، ۱۹۸۸)، قابل ملاحظه است که خود را حاصل تعامل فعال درون و بیرون از طریق درون سازی و بیرون سازی می دانند (دیمون و هارت، ۱۹۹۱).

با افزایش سن، ساختار روانی خود بتدریج پیچیده تر شده و هشپاری فرد نیز نسبت به آن بیشتر می شود. بدین ترتیب هر فرد واجد تصاویری از خود می شود که گرد یک تصویر منسجم، توحید می یابند و خود پنداشت فرد را می سازند که دربرگیرنده آگاهی فرد نسبت به ویژگیها و تواناییهای خویش است (محسنی، ۱۳۷۵). به تعبیر پورکی (۱۹۸۸)، هستی انسان در یک کلیت

پیچیده سازمان می‌یابد که هر شخص را به واقعیت خویش راهنمایی می‌کند.

نگاه تحولی به خودپنداشت و پیگیری تحول آن در وهله‌های مختلف، موجب شده است که روانشناسان، این نظام پیچیده و پویا را در یک الگوی تحولی مورد مطالعه قرار دهند. در این الگو، سن به عنوان متغیر پیش‌بین مطرح شده و سپس به داده‌های کیفی، علاوه بر داده‌های کمی، توجه جدی می‌شود. همچنین استفاده از روش بالینی<sup>۲</sup> و مصاحبه<sup>۳</sup> برای تبیین سازمان یافتگی خود و معرفی مراحل تحولی، از ویژگیهای دیگر این الگو بشمار می‌رود.

سلمن<sup>۵</sup>، ۱۹۸۰؛ موهر<sup>۶</sup>، ۱۹۸۸؛ به نقل از مایر (۱۹۹۹) سیروسکی و اسلاتر (۱۹۹۲)، برکلی<sup>۷</sup> و گریوالد<sup>۸</sup>، ۱۹۸۲، نوآم<sup>۹</sup>، ۱۹۸۸ و کوهوت<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۲؛ به نقل از محسنی (۱۳۷۵)، از مؤلفانی هستند که به سازمان یافتگی خود و توصیف مراحل تحولی آن توجه جدی داشته‌اند. از این میان، دیمون و هارت در یک الگوی مکعب‌گونه، خودعینی<sup>۱۱</sup> و خودفاعلی<sup>۱۲</sup> را تبیین نموده و آنها را در چهار سطح تحولی خودشناسی مقوله‌ای<sup>۱۳</sup>، سنجشهای مقایسه‌ای<sup>۱۴</sup>، استلزامهای بین فردی<sup>۱۵</sup> و تعاملی و سطح نظام یافتگی باورها و هدفمندی زندگی<sup>۱۶</sup> مطرح کرده‌اند. این سطوح، دوران خردسالی، کودکی میانی، سالهای اولیه نوجوانی و سالهای آخر نوجوانی به بعد را پوشش می‌دهند. در این الگو علاوه بر تبیین سطح تحول و سازمان یافتگی خود پنداشت، نوع توصیف خود به صورت مادی<sup>۱۷</sup>، فعال<sup>۱۸</sup>، اجتماعی<sup>۱۹</sup> و روانی<sup>۲۰</sup> مورد تأکید است که بعضی از مؤلفان از آنها با واژه روان‌بنه کلی خود<sup>۲۱</sup> یاد می‌کنند (مارکوز، ۱۹۹۹؛ به نقل از مایر، ۱۹۹۹).

خودپنداشت<sup>۲۲</sup> تحت تأثیر عوامل متعددی متحول می‌شود. بازخورد دیگران بویژه والدین، تعاملهای اجتماعی، ارتباط کودک و محیط و زمینه‌های محیطی از عواملی است که مورد بحث مؤلفان زیادی بوده است (کلر، ۱۹۹۶؛ نوآم، ۱۹۸۸؛ بامیستر، ۱۹۹۹؛ اسنیدر<sup>۲۳</sup>، ۱۹۷۷؛ نقل از بامیستر، ۱۹۹۹). مؤلفان به عوامل متعدد دیگری که تأثیر بسزایی در خودپنداشت دارند، اشاره کرده‌اند. بر تأثیر عامل جنس در نظر مؤلفانی چون گلیناز، ۱۹۹۹؛ وایلی<sup>۲۴</sup>، ۱۹۷۹؛ مارکوز<sup>۲۵</sup>، ۱۹۹۲؛ میلر<sup>۲۶</sup>، ۱۹۸۶؛ گیلیکان<sup>۲۷</sup> (به نقل از کنوکس، ۱۹۹۸) و الحسن (۲۰۰۰)، تأکید کرده‌اند. البته محققان دیگری نیز بر عدم تأثیر جنس بر خودپنداشت را گزارش داده‌اند (عبدالوحید<sup>۲۸</sup>، ۱۹۷۹؛ الدیب<sup>۲۹</sup>، ۱۹۹۴؛ نقل از الحسن، ۲۰۰۰؛ ترقی‌جاه، ۱۳۷۵ و فتحی آشتیانی، ۱۳۷۶).

همچنین ارتباط کودک - والدین در نظر بانهام (۲۰۰۰)، هات چین ست<sup>۳۰</sup> (۱۹۹۹)؛ به نقل از بانهام، (۲۰۰۰)؛ توماس<sup>۳۱</sup> (۱۹۷۴)؛ به نقل از فلین، (۱۹۷۴)؛ موفقیت و شکست در زندگی و انعکاس

بازخوردهای دیگران و خود شخص درباره آنها در نظر استیل<sup>۳۲</sup> (۱۹۹۷؛ به نقل از مایر، ۱۹۹۹) و شرایط اجتماعی اقتصادی در نظر مارش<sup>۳۳</sup> و بارنز<sup>۳۴</sup> (۱۹۸۵؛ به نقل از الحسن، ۲۰۰۰)، از عوامل مهمی بشمار می‌روند که بر چگونگی شکل‌گیری و توصیف خودپنداشت تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارند.

پژوهش حاضر باهدف تبیین روند تحول خودپنداشت و چگونگی توصیف فرد از خود در کودکان ۶ تا ۱۲ ساله ایرانی و رابطه آن با عوامل جنس و طبقه اجتماعی - اقتصادی<sup>۳۵</sup> انجام گرفته است.

سؤال اصلی پژوهش این است که کودکان ایرانی در رده سنی مذکور در چه سطحی از تحول قرار دارند. نکته دیگر آن است که سطح تحولی و نوع توصیف فرد از خود، تا چه میزان تحت تأثیر جنس و طبقه اجتماعی - اقتصادی بالا و پایین قرار می‌گیرد.

براین اساس، فرض آن است که سطح تحول کودکان ۶ ساله و ۸ ساله در سطح یک، کودکان ۱۰ ساله در سطح دو و آزمودنیهای ۱۲ ساله در سطح سه قرار دارند. همچنین سطح تحولی دختران و پسران در هر دو طبقه، یکسان است. فرض دیگر آن است که بین جنس و نوع توصیف خود و نیز طبقه و نوع توصیف خود، رابطه معنی داری وجود دارد.

## روش

جامعه، نمونه و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق تمامی دانش آموزان دختر و پسر ۶ تا ۶ سال و ۱۱ ماه، ۸ تا ۸ سال و ۱۱ ماه، ۱۰ تا ۱۰ سال و ۱۱ ماه و ۱۲ تا ۱۲ سال و ۱۱ ماه ساکن مناطق شهر تهران تشکیل شده است. گروه نمونه شامل ۲۶۳ نفر از دانش آموزان دختر (۱۲۰ نفر) و پسر (۱۴۳ نفر) مناطق یک و هفده تهران می‌باشند که به صورت تصادفی و مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. جدول ۱، توزیع گروه نمونه را نشان می‌دهد.

هریک از آزمودنیهای طبقه اجتماعی - اقتصادی بالا، دارای ویژگیهایی چون سکونت در منطقه شمالی تهران، تحصیلات بالاتر از فوق دیپلم والدین، داشتن درآمد بالا و امکانات رفاهی و هر یک از آزمودنیهای طبقه پایین، دارای ویژگی سکونت در منطقه جنوبی تهران، تحصیلات زیر دیپلم والدین، نداشتن درآمد مکفی و نداشتن امکانات رفاهی، بوده‌اند.

جدول ۱- توزیع فراوانی گروه نمونه برحسب سن، جنس و طبقه اجتماعی اقتصادی

جمع	طبقه پایین		طبقه بالا		جنس و طبقه سن
	پسر	دختر	پسر	دختر	
۶۹	۱۷	۱۴	۲۱	۱۷	۶ سال
۶۷	۱۶	۱۳	۲۲	۱۶	۸ سال
۶۵	۱۶	۱۳	۲۱	۱۵	۱۰ سال
۶۲	۱۷	۱۸	۱۳	۱۴	۱۲ سال
۲۶۳	۶۶	۵۸	۷۷	۶۲	جمع

### طرح تحقیق و ابزار جمع آوری داده ها

نوع تحقیق، توصیفی<sup>۳۶</sup>، پس رویدادی<sup>۳۷</sup>، تحولی و مقطعی<sup>۳۸</sup> است که به بررسی فرایند تحول خود در سنین مورد نظر می پردازد. با توجه به تحولی بودن مطالعه، روش تحقیق، بالینی و فردی است و با استفاده از مصاحبه انجام گرفته است. در این روش، مصاحبه ابزاری است که دستیابی به سطوح واقعی تحول خود در هویت کودک را در یک واریسی عمقی تسهیل می کند. در جریان مصاحبه، آزمودنیها نه تنها به مواد مصاحبه پاسخ داده اند بلکه با پاسخ به سؤالات واریسی کننده<sup>۳۹</sup>، چرایی پاسخها و استدلالهای آنان نیز ارزیابی شده است. ساختار مصاحبه پیشنهادی دیمون و هارت، دارای ۷ ماده<sup>۴۰</sup> شامل: خودتوصیفی<sup>۴۱</sup>، خودارزشیابی<sup>۴۲</sup>، خود در بعد زمان<sup>۴۳</sup>، علایق خود<sup>۴۴</sup>، تداوم<sup>۴۵</sup>، اراده<sup>۴۶</sup> و تمایز<sup>۴۷</sup> است که با سؤال یا سؤالیهای همراه است و به وسیله سؤالیهای واریسی کننده، سطح تحول و نوع استدلال کودک سنجش می شود.

ساختار این مقیاس در مطالعات زیادی مورد استفاده قرار گرفته و اعتباریابی شده است (دیمون و هارت، ۱۹۸۶-۱۹۸۸؛ هارت، لوکا<sup>۴۸</sup> و دیمون، ۱۹۸۶؛ هارت، مالونی<sup>۴۹</sup> و دیمون، ۱۹۸۷؛ نقل از لاپسلی، ۱۹۸۸). دریک مطالعه طولی، دیمون و هارت (۱۹۹۱) برای بدست آوردن روایی درونی، روش آزمون دوباره را در مورد آزمودنیهای ۴ تا ۱۴ ساله اجرا کردند. نتایج، همبستگی بالایی را بین آزمودنیها نشان داد، در مطالعه دیگری، همبستگی درونی سطح نما<sup>۵۰</sup> و میانگین موزون<sup>۵۱</sup>، ۰/۸۳ بوده است. این ساختار در مطالعه دیمون، هارت و شرین<sup>۵۲</sup> (۱۹۸۸) به نقل از دیمون و هارت، (۱۹۹۱) درباره ادراک خود نوجوانان مبتلا به روان بی اشتهایی اعتباریابی شده است. علاوه بر هارت و زاماسکی (۱۹۸۸)، درایران، خامسان (۱۳۷۴) و غلامعلی زاده (۱۳۸۰)،

آنرا اعتبارسنجی کرده‌اند که ضریب همبستگی بین دو نوبت کدگذاری، ۰/۹۲ در مؤلفه‌های گوناگون بوده است.

برای نمره گذاری پاسخها، از واحدی به نام چانک<sup>۵۳</sup> استفاده شده است. هر چانک به یک ویژگی بامعنا و دارای استدلال که توسط آزمودنی بیان می‌شود، تعلق می‌گیرد. نتیجه چانکها، نمره‌ای را تحت عنوان میانگین موزون بدست می‌دهد که یک داده کمی است.

### روشهای تجزیه و تحلیل داده ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌های کمی بدلیل فاصله‌ای بودن آنها از مشخصه آماری تحلیل واریانس<sup>۵۴</sup> استفاده شده است. نوع طرح آزمون، سه عاملی بین گروهی و متقاطع است که دارای ۱۶ گروه مستقل می‌باشد. همچنین برای مشخص نمودن تفاوت میانگینها، از آزمون توکی<sup>۵۵</sup> استفاده شده است.

### نتایج

○ پس از کدگذاری براساس دستورالعمل موجود، نمرات میانگین موزون کل آزمودنیها در همه سنین برحسب طبقه اجتماعی - اقتصادی و جنس محاسبه گردید که در جدول ۲ مشخص شده است.

جدول ۲- نمرات میانگین موزون خود عینی کل آزمودنیها در همه سنین برحسب طبقه و جنس

طبقه	جنس	میانگین موزون	انحراف معیار	نمونه
بالا	دختر	۲/۸۷	۰/۶۵	۶۲
	پسر	۲/۷۳	۰/۵۷	۷۷
	جمع	۳/۰۸	۰/۴۵	۱۳۹
پایین	دختر	۲/۵۲	۰/۶۹	۵۸
	پسر	۲/۵۲	۰/۵۹	۶۶
	جمع	۲/۵۲	۰/۶۴	۱۲۴
جمع	دختر	۲/۷۱	۰/۶۹	۱۲۰
	پسر	۲/۶۳	۰/۵۹	۱۴۳
	جمع کل	۲/۶۷	۰/۶۴	۲۶۳

داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهند که نمره میانگین موزون طبقه بالا، ۳/۰۸ و طبقه پایین، ۲/۵۲

است که تفاوت را نشان می دهد. درباره جنس، نمره میانگین موزون دختران، ۲/۷۱ و پسران، ۲/۶۳ است که تفاوت چندانی را نشان نمی دهد. در این باره، جدول ۳ خلاصه تحلیل واریانس چند متغیری را نشان می دهد.

جدول ۳- خلاصه تحلیل واریانس اثرات بین گروهی نمرات میانگین موزون خودعینی

سطح معناداری	مشاهده شده	میانگین مجدورات	درجه آزادی	مجموع مجدورات	تأثیرات
۰/۳۳۵	۰/۹۳	۰/۲۰۴	۱	۰/۲۰۴	جنس
۰/۰۰۰۱	۳/۹۶	۶/۷۷	۱	۶/۷۷	طبقه
۰/۰۰۰۱	۶۳/۰۸	۱۳/۷۹	۳	۴۱/۳۹	سن
۰/۰۷	۳/۲۲	۰/۷	۱	۰/۷	جنس و طبقه
۰/۰۰۷	۴/۰۹	۰/۸۹	۳	۲/۶۸	جنس و سن
۰/۱۸۲	۱/۶۳	۰/۳۶	۳	۱/۰۷	طبقه و سن
۰/۲۶۲	۱/۳۳	۰/۲۹	۳	۰/۸۷	جنس و طبقه و سن
		۰/۲۲	۲۴۷	۵۴/۰۲	خطا

بامراجعه به جدول ۳، ملاحظه می شود که اثرات اصلی<sup>۵۶</sup> طبقه و سن بر نمره خودپنداشت (میانگین موزون) معنی دار هستند ( $p < ۰/۰۰۱$ ) در حالیکه اثر اصلی جنس بر خودپنداشت، معنادار نیست. به عبارت دیگر، متغیرهای طبقه و سن در تغییر و تحول خودپنداشت مؤثرند اما جنس، تأثیر قابل ملاحظه و معناداری بر خودپنداشت ندارد. خودپنداشت از سن و طبقه اجتماعی-اقتصادی تأثیر می پذیرد اما از جنس تأثیر نمی پذیرد. همچنین اثر متقابل<sup>۵۷</sup> جنس و طبقه، معنادار نیست. بدیهی است در این صورت، اثر متقابل جنس، طبقه و سن نیز معنادار نخواهند بود که در جدول مشهود است. جدول ۴ نتایج آزمون توکی را درباره تفاوت میانگینها در سنین مختلف نشان می دهد.

جدول ۴- نتایج آزمون توکی درباره تفاوت میانگینها (میانگین موزون) خودعینی

سن	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	سطح معناداری
۶ سال	۰/۵۰۷	۰/۰۸۰	۰/۰۰۰
۱۰ سال	۰/۸۹	۰/۰۸۱	۰/۰۰۰
۱۲ سال	۰/۹۹۷	۰/۰۸۲	۰/۰۰۰
۸ سال	۰/۳۸۲	۰/۰۸۱	۰/۰۰۰
۱۲ سال	۰/۴۸۹	۰/۰۸۲	۰/۰۰۰
۱۰ سال	۰/۱۰۷	۰/۰۸۳	۰/۵۷۱

آزمون توکی نشان می دهد که تفاوت در مقایسه سنین ۶ و ۸ سال؛ ۶ و ۱۰ سال؛ ۶ و ۱۲ سال؛ ۸ و ۱۰ سال و ۸ و ۱۲ سال معنا دارند ( $p < 0/001$ ) اما در مقایسه سنی ۱۰ و ۱۲ سال، این تفاوت معنادار نیست.

○ جدول ۵ درصد چانکهای همه آزمودنیها را برحسب سن و سطح تحولی نشان می دهد. براساس داده های جدول ۵، بیشترین درصد چانک در سن ۶ سالگی در سطح دو، یعنی سطح سنجشهای مقایسه ای متمرکز شده اند (۵۲/۸۴ درصد). همچنین در سن ۸ سالگی، بیشترین درصد چانکها در سطح سه (سطح استلزامهای بین فردی، ۷۰/۵۴ درصد)؛ در سن ۱۰ سالگی، در سطح سه (۶۶/۸۱ درصد) و در سن ۱۲ سالگی در سطح سه (۶۶/۱ درصد) متمرکز شده اند. همانطور که ملاحظه می گردد، هراندازه سن افزایش می یابد، درصد چانکها در یک سطح بیشتر شده و یا اینکه در سطح بالاتر متمرکز می شود.

جدول ۵- درصد چانکهای خود عینی آزمودنیها برحسب سن و سطح تحولی

جمع	سطح				سن
	۱	۲	۳	۴	
۱۰۰	۵/۵۹	۵۲/۸۴	۳۳/۶۴	۰/۴۲	۶ سالگی
۱۰۰	۱/۹۱	۱۱/۲۲	۷۰/۵۴	۱۶/۳۱	۸ سالگی
۱۰۰	۰	۲/۵	۶۶/۸۱	۳۰/۶۸	۱۰ سالگی
۱۰۰	۰	۴/۸۱	۶۶/۱	۲۹	۱۲ سالگی

○ جدول ۶، درصد نمرات خودفاعلی آزمودنیها را برحسب سن و سطح تحولی نشان می دهد.

جدول ۶- درصد نمرات خودفاعلی آزمودنیها برحسب سن و سطح تحولی

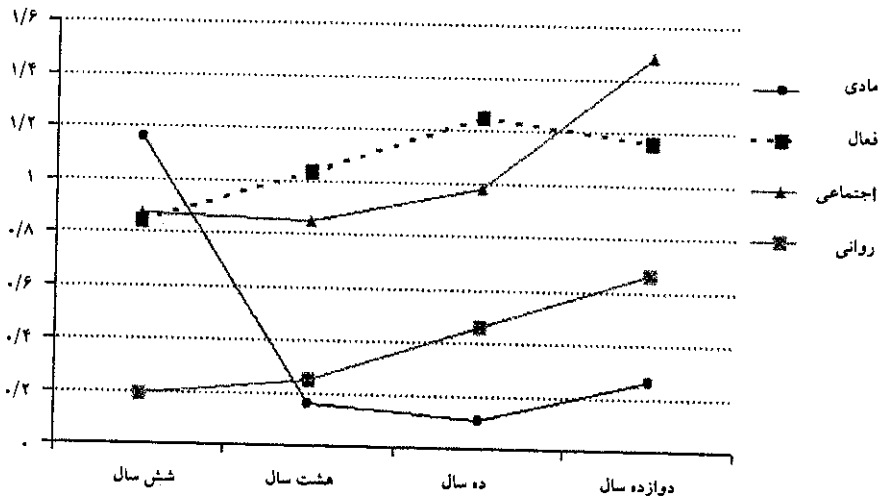
جمع	سطح				سن
	۱	۲	۳	۴	
۱۰۰	۴۵/۱۲	۵۲/۱۵	۳	۰	۶ سالگی
۱۰۰	۳۹/۳	۴۱/۹۵	۱۷/۲۱	۱/۴۷	۸ سالگی
۱۰۰	۱۲/۲	۳/۸۱	۷۵/۲۸	۸/۷۱	۱۰ سالگی
۱۰۰	۳/۹۴	۲۶/۷۲	۵۳/۵۹	۱۳/۷۷	۱۲ سالگی

برحسب جدول ۶، درصد چانکهای خودفاعلی مربوط به سن ۶ سالگی، در سطح دو (۵۲/۱۵ درصد)؛ چانکهای مربوط به سن ۸ سالگی، در سطح دو (۴۱/۹۵ درصد)؛ چانکهای مربوط به سن ۱۰ سالگی، در سطح سه (۷۵/۲۸ درصد) و برای سن ۱۲ سالگی نیز در سطح سه (۵۳/۵۹)



درصد) متمرکز شده‌اند. نتایج مربوط به سن تحول خوددفاعی در مقایسه خود عینی نشان می‌دهند که آزمودنیها به لحاظ خوددفاعی در سطح پایین تری از خود عینی قرار دارند. البته نتایج دیگر نشان داده است که کودکان طبقه بالا به لحاظ خوددفاعی، وضعیت بهتری نسبت به کودکان طبقه پایین دارند.

○ در زمینه توصیف خود، نتایج تحقیق نشان دادند که هر اندازه سن افزایش می‌یابد، توصیف خود به صورت مادی و بدنی کاهش می‌یابد و پس از سن ۸ سالگی تقریباً ثابت می‌ماند. در خود فعال، افزایش بین سنین ۶ تا ۸ سالگی ناچیز است. افزایش بین سنین ۸ تا ۱۰ سالگی با شیب تندتری همراه است اما پس از سن ۱۰ سالگی، تقریباً ثابت می‌ماند. در جنبه‌های دیگر، هر اندازه سن افزایش می‌یابد، توصیف خود به صورت اجتماعی و روانی نیز افزایش می‌یابد. شیب افزایش آنها تند است و در ۱۲ سالگی به بیشترین حد خود می‌رسد. نکته دیگر آن است که فراوانی این توصیفها به یک اندازه نیست و همچنین نمرات توصیفها که نوعی ماهیت و کیفیت آن را نشان می‌دهند نیز متفاوت است. همچنین، دختران بیشتر از پسران، خود را به صورت اجتماعی توصیف می‌کنند. نمودار ۱، این نتیجه را نشان می‌دهد.



نمودار ۱- روند توصیف خود عینی در سنین مختلف

○ همانطور که قبلاً ذکر گردید، خودعینی در نظر دیمون و هارت دارای چهار مؤلفه است (مادی، فعال، اجتماعی و روانی). جدول ۷، خلاصه تحلیل واریانس بین گروهی رادر چهار نمره خودعینی نشان می‌دهد.

جدول ۷- خلاصه تحلیل واریانس اثرات بین گروهی در نمرات خود عینی

خود عینی	تأثیرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مشتابده شده	سطح معناداری
مادی	سن	۱۸/۸۳	۳	۶/۱۱	۱۷/۰۴	۰/۰۰۰۱
	سن و جنس	۹/۹۱	۳	۳/۳	۹/۱۹	۰/۰۰۰۱
فعال	سن	۷/۳۷	۳	۲/۴۵	۲/۵۲	۰/۰۵۰
اجتماعی	سن	۱۶/۵۴	۳	۵/۵۱	۵/۰۴	۰/۰۰۲
	جنس	۴/۲۴	۱	۴/۲۴	۳/۸۷	۰/۰۵۰
روانی	سن	۸/۸	۳	۲/۹۳	۷/۳۹	۰/۰۰۰۱

بر اساس جدول ۷، در خودعینی، اثرات اصلی سن در همه انواع خود معنادار است. همچنین اثر اصلی جنس در خود اجتماعی دارای معنا است. اثر اصلی سن و جنس، تنها در زمینه خودمادی، معنادار است. به عبارت دیگر، سن بر توصیف خود به صورتهای مختلف، تأثیر معناداری دارد. اما جنس، بجز در جنبه اجتماعی، تأثیری بر چگونگی توصیف خود ندارد. همچنین طبقه اجتماعی اقتصادی، تأثیر معناداری بر نوع توصیف خود ندارد.

○ درباره رابطه جنس، سن و طبقه اجتماعی - اقتصادی با مؤلفه‌های خود فاعلی، جدول ۸، خلاصه‌ای از تحلیل واریانس را نشان می‌دهد.

جدول ۸- خلاصه تحلیل واریانس اثرات بین گروهی در نمرات خود فاعلی سطح معناداری

خود فاعلی	تأثیرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مشتابده شده	سطح معناداری
تدارک	سن	۱۰۰/۷۹	۳	۳۳/۶	۵۴/۱۲۴	۰/۰۰۰۱
	طبقه	۲۴/۲۰	۱	۲۴/۲۰	۳۸/۹۸	۰/۰۰۰۱
	سن و جنس	۵/۶۵	۳	۱/۸۸	۳/۰۳	۰/۰۳۰
	طبقه و جنس	۴/۵۹	۱	۴/۵۹	۷/۴۰	۰/۰۰۷
اراده	سن	۱۰۹/۴۵	۳	۳۶/۴۸	۶۴/۱۲۶	۰/۰۰۰۱
	طبقه	۲۲/۴۹۶	۱	۲۲/۴۹۶	۳۹/۵۲۵	۰/۰۰۰۱
	سن و طبقه	۴/۵	۳	۱/۵	۲/۶۴	۰/۰۵۰
	سن و جنس	۱۷/۰۹	۳	۵/۶۹	۱۰/۰۱	۰/۰۰۰۱
تمایز	سن	۹۲/۱۴۵	۳	۳۰/۷۱۵	۴۲/۰۳	۰/۰۰۰۱
	طبقه	۲۱/۴۹۲	۱	۲۱/۴۹۲	۲۹/۴۰۶	۰/۰۰۰۱
	سن و طبقه	۸/۱۵۵	۳	۲/۷۲	۳/۷۲	۰/۰۱۲

نتایج جدول ۸ نشان می‌دهند که: اثرات اصلی سن و طبقه و نیز اثرات متقابل سن و طبقه بر تحول مؤلفه‌های خود فاعلی مؤثرند. همچنین اثرات متقابل سن و جنس بر تحول تداوم و پیوستگی و درک اراده و اختیار مؤثرند. داده‌ها نشان می‌دهند که جنس، تأثیری بر درک تداوم و پیوستگی، اراده و اختیار و تمایز از دیگران، ندارد اما سن و طبقه اجتماعی - اقتصادی، دارای چنین اثری هستند.

#### بحث

● مجموعه نتایج تحقیق با توجه به فرضیه‌ها و اهداف آن نشان می‌دهند که خودپنداشت در وهله‌های مختلف زندگی تغییر و تحول می‌یابد و هراندازه سن افزایش می‌یابد، پیچیده‌تر و سازمان یافته‌تر می‌شود. این تحول درجهت پایداری قسمتهایی از خودپنداشت است که به هسته و مرکز خود نزدیکترند. به همین دلیل کودکان در سنین پایین‌تر، تغییرات بیشتری را در «خود» نشان می‌دهند. در این خصوص پورکی (۱۳۷۸)، نیز تحت عنوان سازمان یافتگی به پایداری و ناپایداری خود با توجه به فاصله آن از هسته خود، تأکید دارد. همچنین این تحول درجهت روانشناختی‌تر شدن توصیف خود می‌باشد. سمت و سوی این روند، قبلاً در مطالعات هارتز، (۱۹۸۸)؛ سلمن، (۱۹۸۰) و موهر، (۱۹۸۸)؛ به نقل از مایر (۱۹۹۹) مورد توجه قرار گرفته است. اما الگوی تحولی دیمون و هارت بر جنبه‌های دیگر این تحول تأکید داشته است. دیمون و هارت معتقدند که قلمرو فرد از خود، وسعت یافته و علاوه بر خود موضوعی، خودفاعلی رانیز دربرمی‌گیرد. شناخت این خودها در یک الگوی چندبعدی (مکعب‌گونه) قابل تبیین است؛ زیرا ویژگیهای بدنی و مادی در تمام عمر برای همه باقی می‌مانند و حتی پس از یک دوره رکود، در اواخر نوجوانی مجدداً به عنوان نماد مهمی از توصیف شخصی ارائه می‌شوند. پس حرکت تحولی از دوجبهت افقی و عمودی اتفاق می‌افتد (دیمون و هارت، ۱۹۹۱). نتایج تحقیق حاضر نیز چنین موضوعی را ثابت می‌کند. درست است که جهت تحول از خود مادی به سوی خود روانشناختی است اما خود مادی و بدنی، تماماً افول نمی‌کند بلکه امکان توصیف مادی در هر وهله‌ای وجود دارد؛ تنها تفاوت، سطح استدلالی آن است که در سنین مختلف، متفاوت است.

● نکته دیگر آن است که کودکان ۶ ساله، از سطح خودشناسی مقوله‌ای (سطح یک درمقیاس دیمون و هارت) گذر کرده‌اند و سطح استدلالی آنها به صورت سنجشهای مقایسه‌ای است.

در این سطح، آنان خود را با دیگران و هنجارهای مادی و اجتماعی توصیف می‌کنند، بدون آنکه استلزامی داشته باشند. به عنوان نمونه، آزمودنی ۶ ساله دختر در پاسخ به اینکه: «چرا مهم است که تو آدم بدی نیستی؟» پاسخ می‌دهد که: «چون آدم بد بودن خیلی بده، نمی‌خوام مثل برادرم بشم». بر همین منوال، کودکان ۸ ساله، در سطح استلزامهای بین فردی قرار می‌گیرند. این سن (۸ سال) نسبت به سنی که دیمون و هارت تعیین کرده اند، جلو تر است. این امر نشان می‌دهد که روند اجتماعی شدن و الزام برای تعامل با دیگران در کودکان نمونه، روند مطلوبی بوده است. همچنین کودکان ۱۰ و ۱۲ ساله نیز در این سطح قرار دارند، اما درصد قابل توجهی از چانکهای آنان در سطح چهار قرار دارند. به عبارت دیگر، کودکان ۱۰ ساله و نوجوانان ۱۲ ساله ایرانی به سطحی رسیده‌اند که طبق مقیاس دیمون و هارت، بایستی در اواخر نوجوانی برسند. این موضوع نشان می‌دهد که نظام یافتگی باورها در کودکان و نوجوانان ایرانی، استحکام بیشتری دارد. البته شتاب این روند در نوجوانی، کند می‌شود، یکی از دلایل آن سرعت تحول در خردسالی و کودکی اولیه و میانی است. به عبارت دیگر، کودکان در ویژگیهای شخصیتی، ثابت می‌شوند و در وهله‌های بعدی، کمتر تغییر می‌پذیرند.

● قبلا بیان گردید که خودپنداشت از عوامل گوناگونی تأثیر می‌پذیرد. محسنی (۱۳۷۵)؛ به نقل از استرولو، (۱۹۹۲)، آن را حاصل تجربیات درون و بیرون و راجرز (۱۹۴۷)؛ به نقل از پورکی، (۱۹۸۸) آن را محصول تعامل و برخورد با دیگران می‌دانستند. همچنین، بامیستر (۱۹۹۸)، خودپنداشت را به عنوان یک انتخابگر بین خود و بیرون تلقی می‌کرد. نتایج نشان داد که بازخورد دیگران، شرایط اقتصادی و اجتماعی، تحصیلات والدین (به عنوان یکی از ویژگیهای طبقه در پژوهش حاضر) و دربرخی موارد، جنس در تحول خودپنداشت مؤثرند. تأیید تأثیر طبقه اجتماعی - اقتصادی بر خودپنداشت در تحقیق حاضر، مؤید نظرات آسپین<sup>۵۸</sup>، (۱۹۹۴)؛ امی<sup>۵۹</sup>، (۱۹۹۳)؛ به نقل از بانهام (۲۰۰۰) و فابر (۱۹۸۹)؛ به نقل از گلیناز، (۱۹۹۹) می‌باشد. همچنین نظر سلف (۱۹۸۵)؛ به نقل از فلین، (۱۹۸۵) که موضوعات والدین کم سواد، وضعیت بد اقتصادی، وضعیت نامطلوب آموزش را از عوامل مؤثر بر خودپنداشت می‌دانست، تأیید می‌گردد. هراندازه، وضعیت اجتماعی - اقتصادی کودکان مطلوبتر باشد، نمرات آنان بیشتر خواهد بود؛ اگرچه ممکن است در یک سطح تحولی قرار گیرند. در پژوهش حاضر مشخص شد که کودکان طبقه بالا و پایین در یک سطح تحولی قرار می‌گیرند، اما استدلالهای کودکان طبقه بالا، از غنای

بیشتری برخوردار است. به همین دلیل، نمرهٔ بهتری را در یک پیوستارکسب نموده‌اند. البته این موضوع، جای پیگیری بیشتری دارد. برای مثال، ممکن است کودکان ساکن در روستایی محروم، حتی به لحاظ سطح تحول هم تأخیر داشته باشند.

● در زمینهٔ جنس، نتایج تحقیق با نظر بم (۱۹۹۳)، عبدالوحید (۱۹۷۹)؛ به نقل از الحسن، (۲۰۰۰)، ترقی جاه (۱۳۷۵) و فتحی آشتیانی (۱۳۷۶) همسو است. در نظر بم، مقایسه دو جنس اصولاً صحیح نیست؛ زیرا جنس صرفاً دریچه‌ای است که از خلال آن می‌توان جهان را مشاهده کرد. محققان دیگر، بر عدم رابطه معنی‌دار بین دختران و پسران لُبْنانی و ایرانی، تأکید داشته‌اند. تنها در توصیف خود به صورت اجتماعی و فعال بین دو جنس تفاوت مشاهده شده است. در این خصوص، نظر بلاک (۱۹۸۳)؛ گیلیکان، (۱۹۸۲؛ ۱۹۹۲)؛ به نقل از کنوکس (۱۹۹۸) تأیید می‌گردد. آنها معتقدند که نقش دختران به طور سنتی به وسیله کنش‌وری ارتباطی و تعاملی بویژه در ارتباط بین شخصی، شکل می‌گیرد. دختران، بیشتر خود را اجتماعی و اهل تعامل نشان می‌دهند. آزمودنی دختر، ۱۰ ساله در پاسخ به چراییِ مهربان بودن، بیان می‌کند که: «مهربونی خیلی خوبه! چون اگر مهربون باشیم، دیگران به ما خیلی اهمیت میدن». اما در زمینه خود فاعلی، نتایج حاکی از مؤثر بودن جنس بر درک تداوم و پیوستگی و درک اراده و اختیار، هستند.

● در مجموع می‌توان تأکید نمود که:

- ۱- متغیرهای سن و طبقه اجتماعی - اقتصادی بر خودپنداشت مؤثرند.
- ۲- خودپنداشت از جنس تغییر نمی‌پذیرد.
- ۳- آزمودنیهای طبقه بالا از وضعیت بهتری برخوردار هستند.
- ۴- کودکان ۶ ساله ایرانی در سطح دو؛ ۸ ساله‌ها در سطح سه و کودکان ۱۰ و ۱۲ ساله در سطح سه و وهله بین بینی سطح چهار قرار دارند. اجتماعی‌شدن و استلزام برای تعامل با دیگران در کودکان نمونه، مطلوب است.
- ۵- تا سن ۶ سالگی، میزان توصیف خود به صورت مادی بالاست و پس از آن هراندازه سن کودکان افزایش می‌یابد، توصیف مادی کاهش می‌یابد و پس از ۸ سالگی، تقریباً ثابت می‌ماند و میزان توصیف اجتماعی و روانی اضافه می‌شود. برخی از کودکان نمونه، در توصیف خود از واژه‌های مذهبی و معنوی استفاده کرده‌اند. این موضوع اضافه کردن خود مذهبی، خودایمانی و یا خود معنوی را در مؤلفه‌های خودعینی، لااقل در جمعیت ایرانی مطرح می‌کند که قابل تأمل

است و می‌تواند در پژوهش‌های بعدی مورد واریسی بیشتری قرار بگیرد.

۶- طبقه اجتماعی - اقتصادی بر همهٔ زمینه‌های خود فاعلی و جنس بر تداوم و اراده، تأثیر معناداری دارند.



یادداشت‌ها

- |                                |                                  |
|--------------------------------|----------------------------------|
| 1- Self                        | 2- Rogers, C.                    |
| 3- Clinical psychology         | 4- Interview                     |
| 5- Selman, R. L.               | 6- Mohre, D. M.                  |
| 7- Berckler                    | 8- Greenwald                     |
| 9- Noam, G.                    | 10- Kohut, H.                    |
| 11- Objective self             | 12- Subjective self              |
| 13- Categorical identification | 14- Comperative assessment       |
| 15- Inter-personal implication | 16- Systematic beliefs and plans |
| 17- Physical                   | 18- Active                       |
| 19- Social                     | 20- Psychological                |
| 21- Selscheme                  | 22- Self concept                 |
| 23- Snyder, C. L.              | 24- Wylie, R.                    |
| 25- Markus, H.                 | 26- Miller, D.                   |
| 27- Gilligan, S. G.            | 28- Abdul Wahid, H.              |
| 29- Al Deeb, M. A.             | 30- Hutchinset, T.               |
| 31- Thomas, D. L.              | 32- Steel, S.                    |
| 33- Marsh, H. W.               | 34- Barnes, G.                   |
| 35- Socio-economic status      | 36- Descriptive                  |
| 37- Expo facto                 | 38- Cross-sectional research     |
| 39- Probe question             | 40- Item                         |
| 41- Self definition            | 42- Self evaluation              |
| 43- Self in past and future    | 44- Self interest                |
| 45- Continuity                 | 46- Agency                       |
| 47- Distinctness               | 48- Locca, N.                    |

- |                      |                  |
|----------------------|------------------|
| 49- Maloney, J.      | 50- Modal level  |
| 51- Weighted average | 52- Schorin, M.  |
| 53- Chunk            | 54- ANOVA        |
| 55- HSD              | 56- Main effects |
| 57- Contrast effects | 58- Aspin, L. J. |
| 59- Emy, M. V.       |                  |

منابع:

- پورکی، ویلیام دبلیو (۱۳۷۸). خودپنداری و موفقیت تحصیلی. ترجمه سید محمد میرکمالی. تهران: نشر بسطرون
- ترقی‌جاء، صدیقه (۱۳۷۵). بررسی ارتباط خودپنداره با رفتار اجتماعی در دانش‌آموزان راهنمایی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. (چاپ نشده) تهران: دانشگاه تربیت مدرس
- خامسان، احمد (۱۳۷۴). بررسی مقایسه ادراک خود در زمینه تحولی و سلامت روانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. (چاپ نشده) دانشگاه تهران.
- غلامعلی زاده، رضا (۱۳۸۰). مقایسه تحولی ادراک خود نزد دانش‌آموزان عادی و تیزهوش. مجله استعدادهای درخشان. سال دهم، شماره ۴۰.
- فتحی آشتیانی، علی (۱۳۷۶). بررسی تحولی ابعاد روانشناختی دانش‌آموزان، مجله روانشناسی. سال اول، شماره ۱.
- مای‌لی، ریچارد. ریبرتو، پ. (۱۳۸۰). ساخت، پدیدآیی و تحول شخصیت. ترجمه محمود منصور. تهران: دانشگاه تهران و انتشارات سمت
- محسنی، نیکچهره (۱۳۷۵). ادراک خود، از کودکی تا بزرگسالی. تهران: انتشارات بهشت
- منصور، محمود. دادستان، پریرخ (۱۳۷۶). روانشناسی ژنتیک ۲: از روان‌تحلیل‌گری تا رفتارشناسی. تهران: انتشارات رشد.
- Banhum, V. ; Hanson, J. ; Higgin, A . & Jarret, M. (2000). *Parent child communication and its percieved developmental self-concep*. Cowan University .
- Bumeister, R. F. (1999). *The self in social psychology*. NewYork: Library of congress cataloging-in-poblication data.
- Cibrowsky, L. & Slater, S. (1992). *Developing a position self-concept*. Home economics education association, Gainsvilla, VA.
- Damon, W. & Hart, D. (1982). The development of self-understanding through adolescence. *Child Development*, 53, 841-64.
- Damon, W. & Hart, D. (1991). *Self-understanding in childhood and adolescence*. NewYork: Cambridge University Press.
- El-Hassan, K. (2000). *Structure and correlates of self-concept in Lebanon*. Beirut American

University Center.

- Flynn, T. M. (1974). Parented attitudes and the preschool concept. *Journal of Instructional Psychology*: 1(1), 45-52.
- Flynn, T. M. (1985). Development of self-concept. *Early-Child-Development and Care*, 22, 65-72.
- Gellinaz, S. (1999). *The relationship between self-concept and social interaction style during early and late adolescence*. [Http://www.chiron.edu/whill/col.self](http://www.chiron.edu/whill/col.self).
- Harter, S. (1999). *The construction of the self*. New York: The Guilford Press.
- Knox, M. (1998). *Relationship to global self-esteem*. Sex roles: A journal of research.
- Lapsley, D. H. (1988). *Self, ego and identity*. Integrative Verlag Inc.
- Myers, D. G. (1999). *Social psychology*: 6th edition. McGraw-Hill College.
- Purkey, W. (1988). *An overview of self-concept theory for counselors*. U.S. : Eric clearing house on counseling and personal service.
- Zamansky, S. & Hart, D. (1998). *Psychotherapeutic implications of the development of self-understanding*. New York: Plenum Press

